



فوتبال، فردوسی‌پور، عشق و دیگر چیزها

حواشی مهم تر از متن و آیت‌هایی از خلاقیت‌های موقتی



محمد هدایتی روزنامه‌نگار

فوتبال از همان آغاز اغواگر بوده است. برخی جامعه‌شناسان می‌گویند در عصر مدرن فوتبال جای بسیاری از تعلق‌های سنتی را که زمانی هویت‌بخش بودند گرفته است، یا حداقل به یکی از اصلی‌ترین مادیوم‌ها برای نمایش و تجلی هویت بدل شده است؛ از فوتبال با عنوان آیینی جدید یاد شد. منتقدانش گفتند فوتبال فریب‌دهنده توده‌هاست و عاملی برای سرگرم‌سازی آنها و شاید تحمیق‌شان. هرچه هست، فوتبال محبوب‌ترین ورزش و سرگرمی معاصر است. فوتبال، امروز شاید جهانی‌ترین پدیده‌ها باشد. انواع و اقسام مرزها را بی‌اعتبار ساخته است. از این رو عجیب نیست که برای بسیاری فوتبال بدل شود به عشقی حقیقی، به امکانی صرف‌نظرکردنی و بعضاً به همه‌چیز. همه ما احتمالاً تجربه مواجهه با آدم‌هایی را داشته‌ایم که به راستی عاشق فوتبال بوده‌اند. با فوتبال می‌خندند و گریه می‌کنند و با فوتبال احساس هویت می‌کنند.

در تلویزیون ما عده‌ای هم هستند که منادیان این عشق به فوتبال شده‌اند. حمیدرضا صدر از اولین کسانی بود که فاصله بین تحلیلگر و موضوع مورد تحلیل که همان فوتبال باشد را از بین برد. به قدری جذاب از فوتبال می‌گفت که گویی نوعی همدانی بین او و فوتبال وجود داشت. کلامش بر دل نشست. درباره فوتبال و تاریخش حداقل در ایران پژوهش کرده و کتاب نوشته است. کتاب‌هایی واقعا جذاب. درباره فوتبال در کشورهای دیگر هم همچین. از روابط اجتماعی و سیاسی در فوتبال تا دلالت‌های اقتصادی آن. اما او تنها نماینده عشق به فوتبال نیست. عادل فردوسی‌پور و محمدحسین میثاقی و دیگر دوستان هم هستند. آدم‌هایی که وقتی از فوتبال صحبت می‌کنند، گویا دارند از مهم‌ترین اتفاق و پدیده که زندگی‌شان را متغیر می‌کند. بیایید کمی در تصویری که این جماعت از فوتبال ارائه می‌کنند دقیق شویم. راستش فکر می‌کنم این آخرها کمی لوس شده‌اند. کمی بیش از حد ولع نشان می‌دهند، شاید کمی هم ساختگی. این اواخر

تلاش‌های این تیم‌برای نشان دادن اینکه آقا عشق به فوتبال فلان است و بهمان چندان به دل نمی‌نشیند. درمی‌آید. این همه تقلا و از این کوچه به آن کوچه رفتن برای نشان دادن اینکه فوتبال همه را مسحور کرده، به کارگیری زبان عامیانه برای نشان دادن تشدید این علاقه، رفتن سراغ زندانی و کارگر و بیکار و هر بدبختی که حالا فوتبال هم نگاه می‌کند، برای اینکه بگوییم فوتبال همه را به هم پیوند داده است. نه، نمی‌گیرد. کمی تصنعی است. نمی‌دانم کسانی که زندگی به آنها روی چندان خوشی نشان نداده است، می‌توانند کماکان عاشق فوتبال بمانند. به همان حرارتی از فوتبال بگویند که میثاقی می‌گوید که به خاطر یک آفساید کله‌شان را به دیوار بزنند. فوتبال البته که ورزش پولدارها نیست، اما برای وفادار ماندن به فوتبال، برای کماکان عاشق آن بودن، باید چیزهای دیگری در کار باشد. در جذابیت فوتبال و محبوبیتش تردیدی نیست، اما داستان فروسی‌پور و تیمش این آخرها خیلی سانتیمانتال شده است. نکته اما مهم‌تر؛ تأثیرات این گروه بر فوتبال‌مان به لحاظ فنی چه بوده است؟ کمی آیت‌های برنامه ۹۰ را مرور کنیم. «برترین حرکات هفته»، که در



۳۹۲ میلیون

دیروز در فضای مجازی سندی از شرکت اسپانسر حضور فیگو در ایران منتشر شد که از قول این شرکت، هزینه‌های حضور فیگو در ایران را ۳۹۲ میلیون تومان اعلام کرده بود. یاد عادل فردوسی‌پور افتادیم که در برنامه ۹۰ تأکید کرد: «هزینه حضور فیگو در ایران خیلی خیلی کمترین است». اما در واقع اعلام شده با فکر می‌کردیم ۱۰۸ میلیون تفاوت بین خبر اعلام شده با فاکتور پرداختی، شامل این همه تفاوتی نمی‌شود که عادل جان روی آن اصرار داشت!

آن حرکات تکنیکی و لایه‌هایی که برخی زده‌اند و برخی بدبخت‌هایی که خورده‌اند به نمایش گذاشته می‌شود؛ با جذابیت، چندبار تکرار می‌شوند، همراه با یک موسیقی. هوس برانگیز است. خوب بازیکنان هم یکی‌یکی ترغیب می‌شوند در حد بضاعت خود در بازی‌های لابی بزنند و چه می‌دانم؛ مدافع حریف را از جریان بازی محو کنند تا پایشان به این ویرترین باز شود. از طرف دیگر پای فوتبال فانتزی باز شده است. ترکیب‌های عجیب چیدن. جمع کردن لاین‌زن‌ها و آنهایی که گویا فوتبال‌شان زیباست. اینجا هم خوب تکنیکی‌ها و آنهایی که نمایشی‌تر بازی می‌کنند به چشم می‌آیند. حال فکر کنید ما از یک طرف برنامه‌ای با این تأثیرگذاری داریم، برنامه‌ای که مدعی حرف آخر زدن در فوتبال ایران است و از سوی دیگر مربیانی داریم که از این منطق رنج می‌برند؛ تصور کنید یک مربی یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش را گذاشته است سر اینکه بازیکنان را به خدمت تیم

دربیاورد، از کارهای در ظاهر زیبا اما بی‌ثمرشان بکاهد و موثرترین بازی را از آنها بگیرد. تأکید افراطی عادل و تیمش بر این‌صحنه تکنیکی فردی در پاره‌ای موارد در تقابل است با فلسفه و روح جمعی فوتبال. آنها نمی‌دانند که این کارشان، روی ساختار فنی فوتبال در ایران تأثیر می‌گذارد. اما نکته دیگر در همین راستا برداشتی است که آنها از فوتبال اشاعه داده‌اند و متأسفانه همه گیر هم شده است. بدیهی است بخش عمده جذابیت‌های فوتبال به هیچ‌ان آن است و برای مثال گل‌های رد و بدل شده در آن. بازی‌های صفر-صفر به لحاظ فنی بسیار خوب هم به دل نمی‌نشینند. اما این همه فوتبال نیست. به‌خصوص برای کسی که می‌خواهد کمی فنی‌تر و شاید متفاوت‌تر به فوتبال نگاه کند. می‌دانیم که فلسفه‌ها و سبک‌های مختلفی در فوتبال وجود دارند. هرکدام طرفدارانی دارند و تئورسین‌هایی. حالا این تکثر را بگذارد کنار دیدگاه فردوسی‌پور و دوستانش! آنها چه فوتبالی را نمایندگی می‌کنند؟ چه فوتبالی را تبلیغ می‌کنند؟ می‌توان نام فوتبال مد نظر آنها را گذاشت فوتبال کیفی، از نوع کیف کردن. فوتبال مطلوب آنها، فوتبالی است که ۱۰ گل در آن رد بدل شود، این بزنند، آن بزنند؛ که بنشینیم کیف کنیم. توپ یک لحظه این سمت زمین و لحظه‌ای دیگر آن سمت زمین، پر از دریبل ولابی. ارزشی برای مثال فوتبالی که مبتنی بر دفاع است قائل نیستند، ظرافت‌های آن و دشواری‌هایش را نمی‌بینند. در برداشت این دوستان کلیشه‌هایی داتما تولید و بازتولید می‌شود؛ بدون هیچ محتوای درستی، مثلاً داتما از فوتبال دفاعی و ملال‌آور ایتالیاسخن گفته می‌شود، یا چه می‌دانم فوتبال ماشینی آلمان. مثلاً می‌خواهند به یک سنت فوتبالی ارجاع دهند. تمام‌ظرافت‌ناکتیکی فوتبال ایتالیایی تقلیل داده می‌شود به یک بازی دفاعی و عقب‌نشینی. فوتبال اگر جذابیتی داشته باشد نه لزوماً با گل‌های بی‌شمار است و نه با هیچ‌جای مصنوعی که شما به مخاطب تزریق می‌کنید. این تیم طبیعتاً تأثیرگذاری زیادی دارد. سبک آنها و حتی اداهایشان را دیگرانی نیز دارند تقلید می‌کنند؛ حالا در سطحی کمی نازل‌تر. حواشی دارد مهم‌تر از متن می‌شود و فوتبال، فهم آن و لذت بردن از آن بدل می‌شود به آیت‌هایی از خلاقیت‌های موقتی بازیکنان. شاید این هم یکی دیگر از مشکلات فوتبال ایران باشد.

یادداشت

رفتار دوگانه فدراسیون فوتبال

ریخت‌وپاش برای هیات‌رئیس‌ه بی‌توجهی به داوران



حمیدرضا عرب روزنامه‌نگار

سیاست‌گذاری‌ها در قبال داوران فوتبال ایران تهدید بزرگی برای آینده این حرفه محسوب می‌شود و اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد باید منتظر کاهش کیفیت بیشتر داوری در فوتبال ایران بود. رفتارهای دوگانه‌ای که از سوی تصمیم‌گیران در فدراسیون فوتبال علیه داوران اتخاذ می‌شود، نقشی انکارناپذیر در ناامیدی این قشر داشته و اگر تغییراتی اساسی در روند اداره امور مربوط به داوران ایجاد نشود، افت محسوس‌تری را در این حوزه شاهد خواهیم بود. تحقیقات درباره وضع معیشتی داوران نشان می‌دهد آنها به‌رغم عده‌های بسیاری که از سوی سران فدراسیون فوتبال مبنی بر افزایش ۳۰ درصدی دستمزدهای خود در فصل جاری مواجه بوده‌اند، اما نه تنها این افزایش دستمزد لحاظ نشده، بلکه از ابتدای این فصل یک ریال هم به حساب داوران اربز نشده است. اوج فاجعه آنجاست که داوران در زیرمجموعه فدراسیونی قرار دارند که برخی اعضای هیات‌رئیس‌ه‌اش با خرج فدراسیون فوتبال و به همراه خانواده‌های خود راهی کیش می‌شوند. حال چه ضرورتی به انجام این سفر است مشخص نیست. اما وقتی پای سفر داوران برای انجام آزمون‌های تعیین سطح به همین جزیره خوش آب‌وهوای کیش وسط می‌آید مسئولان در فدراسیون فوتبال به داورانی که قصد دارند راهی کیش شوند اعلام می‌کنند که حتی قادر به تهیه بلیت سفر آنها هم نیستند و فقط پول هتل که آن هم از طریق برخی اسپانسرها تأمین شده، پرداخت می‌شود.

البته برخی اعضای کمیته داوران هم هستند که این روزها در کیش دیده می‌شوند. یکی از آنها سیدرضا غیاثی است. همان منتقد همیشگی که در تاریخ ۸/۱۰/۹۵ سفر داوران به جزیره کیش انتقاد کرده بود و گفته بود این نقطه محل مناسبی از لحاظ آب‌وهوایی برای انجام تست‌های داوری نیست. حالا همین آقا به محض آنکه از سوی فدراسیون فوتبال بستی می‌گیرد خود به کیش می‌رود. حال چطور در عرض کمتر از یک سال کیش جای مناسبی برای انجام تست‌ها در داوران شده که غیاثی دیگر به محل برگزاری آزمون‌ها انتقاد نمی‌کند مشخص نیست. البته غیاثی نباید انتقاد کند. اوبارخ فدراسیون راهی این تفریحگاه شده در حالی که داوران، یعنی زیرمجموعه‌اش بدون دریافتی و البته پرداخت هزینه بلیت‌های خود راهی جزیره شده‌اند تا شاید اگر مورد تأیید قرار گرفتند بتوانند در بازی‌های لیگ برتر، جام حذفی و لیگ یک قضاوت کنند و چنانچه در فدراسیون فوتبال حقوق‌های آنها را که ماه‌هاست عقب افتاده پپردازد، بخشی از هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین کنند.



خبر روز

قرعه‌کشی فوتسال جام ملت‌های آسیا

ایران با چین، عراق و میانمار همگروه شد

تیم ملی فوتسال ایران در جام ملت‌های آسیا با تیم‌های عراق، چین و میانمار همگروه شد. مراسم قرعه‌کشی فوتسال جام ملت‌های آسیا روز گذشته سه‌شنبه برگزار شد و تیم ملی فوتسال ایران در گروه سوم این مسابقات با کشورهای عراق، چین و میانمار همگروه شد. گروه‌بندی این مسابقات به شرح زیر است: گروه A: چین، تایپه، ویتنام، مالزی و بحرین؛ گروه B: ازبکستان، ژاپن، تاجیکستان و کره جنوبی؛ گروه C: ایران، عراق، میانمار و چین؛ گروه D: تایلند، قرقیزستان، لبنان و اردن؛ شایان ذکر است مسابقات جام ملت‌های آسیا به میزبانی چین تأیید در بهمن ماه امسال برگزار می‌شود.



پرو ریختگان

تو خوبی لایب!

کار به جایی رسیده که آقای ونگال برگشته و گفته: تیم مورینیو خسته‌کننده بازی می‌کند! شما خوبی لایب! شما تا خود شمال بشین روی صندلی جلو صلا، آهنگ‌ها را هم خودت عوض کن! طرف در یکی دو سال انقدر خرج روی دست مالکان یونایتد گذاشت که تا هفت نسل بعد نمی‌توانند بدهی‌هایشان را پرداخت کنند، هیچ غلطی هم با تیم نکرد! حالا دارد گیر می‌دهد که تیم مورینیو خسته‌کننده بازی می‌کند! تیم شما خوب بود لایب! انگار منصوریان و مظلومی بگویند تیم شرفر خوب نیست! شماها خوبید! عین این می‌ماند که امیر قلعه‌نویی بگوید که گرفتن بازیکن سرباز توسط تراکتور کار بدی است! زمانی که شما سرمربی تراکتور بودی خوب بود!

علیرضا اخباری؛ پرواز را به خاطر بسپار

دو فصل پیش وقتی علیرضا اخباری به یک‌باره در دروازه تراکتور شکفت، خیلی‌ها نوبد تولد یک دروازه‌بان کامل را برای فوتبال ایران دادند. درخشش اخباری به‌ویژه در تک‌به‌تک‌ها چشم‌ها را خیره کرد. دروازه‌های تیم ملی به رویش گشوده شد. اما اوج گیری اخباری چندان تداوم داشت. فصل پیش اگرچه او گلر ثابت تراکتور بود اما نشانه‌هایی از ضعف را از خود نشان داد. با این وجود ابتدای این فصل خیلی از تیم‌ها خواهانش بودند. سرانجام او به سایپا برگشت، آن هم در روزهایی که تراکتور به واسطه محرومیت از نقل و انتقالات، دروازه‌بانی نداشت. در سایپا اما اخباری به یکباره افت کرد. تا جایی که کارش به نیمکت نشینی و این اواخر حتی به سکون نشینی کشیده است. حالا سایپایی که اوایل فصل برای اوسر و دست می‌شکست، اصراری به نگه داشتنش ندارد. انتقال اخباری گریزناپذیر به نظر می‌رسد. او در سال جام جهانی باید در تیمی باشد که بازی کند و مهم‌تر اینکه به روزهای خوش بازگردد.



علی علیپور؛ شکفتن در غیاب طارمی

چند سال پیش وقتی اوضاع پرسپولیس به هم ریخته‌تر از هر زمانی بود، در نیم‌فصلی که حمید درخشان اسمال تادو را به پرسپولیس آورد، کسی خرید بازیکن ۱۷ ساله راه‌آهن را جدی نگرفت. او را هم خرید بی کیفیت دیگری می‌دانستند. علیپور اما آرام‌آرام خودش را نشان داد و در همان فصل گل پرورزی بخش دربی را زد تا جوان‌ترین گلزن تاریخ دربی لقب بگیرد. حضور برانکو کیفیت علیپور را هم ارتقا داد. علیپور خیلی خوب می‌پرد و مهم‌تر اینکه با هر دو پا ضربات خوبی می‌زند. در سال‌هایی که همه توپ‌ها در خط حمله پرسپولیس به طارمی ختم می‌شد علیپور توفیق چندانی در گلزنی نداشت. هرچند کاندنگی و فضا سازی‌هایش نقش مهمی در آقای گلی‌های طارمی داشت. حالا او با محرومیت طارمی و با وجود گادوین منشا، علیپور مرد اول خط حمله سرخ‌ها شده است. آقای گل لیگ است و مهم‌تر اینکه گل‌های حرفه‌ای و با کیفیتی می‌زند. کسی دیگر از نبود طارمی شکوه نمی‌کند. باید دید بازگشت طارمی چه تأثیری بر کیفیت علیپور می‌گذارد.



انتخابات جدید کمیته ملی المپیک

دولت و باز هم «مدیریت ورزش»



رای عدم اعتماد گرفته است. با این انتخابات سناریوی دنظر گرفته شده برای انتخابات مشخص شد. احتمالاً صالحی امیری گزینه نهایی برای ریاست کمیته ملی المپیک است. از آن طرف باید دید کیومرث هاشمی، توان مقابله و ایستادگی برای حفظ صندلی‌اش را

علی اکبر طاهری در شرایطی پرسپولیس را ترک کرد که کم و بیش مدیر موقتی قلمداد می‌شود. در دوران او پرسپولیس توانسته بود پس از مدت‌ها قهرمان شود و شرایط کم و بیش حسین هدایتی، و با ابهامات مالی مطرح شده، به ویژه از جانب حسین هدایتی، داستان پیچیده‌تر شده است. هدایتی که آخرش کسی نفهمید حضورش برای پرسپولیس مبارک است یا مایه دردسر، مدعی است که پول گولج و دیگر بازیکنان را به باشگاه پرداخت کرده است و آنها اهمال کرده‌اند، وگرنه پرسپولیس با مشکل مواجه نمی‌شد. جدال این هفته طاهری و هدایتی در برنامه ۹۰ تجسم شیوه مدیریت فوتبال در ایران بود؛ مدیریتی که شیوه دخل و خرجش معلوم نیست. حالا هدایتی، در روزهایی که خود بیش از همیشه تحت فشار است، توپ را به زمین طاهری انداخته است و طاهری باید از خود دفاع کند، داستانی که احتمالاً تا مدتی ادامه خواهد داشت.

هدایتی هم به نظر می‌رسد تا مدت‌هایی از چالش‌های مدیران پرسپولیس خواهد بود.

این سال‌ها بخش عمده تلاش رسانه‌ها و کسانی که دل در گرو موفقیت ورزش دارند این بود که از نقش ملاحظاتی و بده‌بستان‌های سیاسی در تصمیمات ورزشی کاسته شود. هرچند ورزش، در همه جای دنیا تماماً برکنار از این ملاحظاتی نیست، اما داستان در ایران عمیق‌تر است. ورزش، تأثیرگذاری آن و البته گردش مالی‌اش برای دولت‌ها در ایران جذاب است و نمی‌خواهند به راحتی از دستش بدهند و استقلال‌ش را به رسمیت بشناسند. احتمالاً یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دخالت دولت در ورزش، انتخابات کمیته ملی المپیک است. حالا و در آستانه انتخابات کمیته ملی المپیک در ۲۵ دی‌ماه، تحکرات آغاز شده است. روز دوشنبه و در جلسه هیات اجرایی کمیته ملی المپیک پنج نفر به‌عنوان خبره ورزشی مطرح شدند. اهمیت این انتخاب این است که این پنج نفر می‌توانند وارد مجمع بشوند، حق رای دارند و مهم‌تر اینکه می‌توانند خود را کاندیدا کنند. اما این پنج نفر: طاهره طاهریان، عاطفه اسلامیان، محمود مشحون، علی کفاشیان و رضا صالحی امیری هستند. جالب اینجاست که دو نفر از این افراد یعنی علی کفاشیان و محمود مشحون بازنشسته هستند و قانوناً مشکل دارند. خانم عاطفه